

عوامل موفقیت جبههٔ اسلام در جنگ احزاب با نگاهی به جنگ دوازده روزه

حجت الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی محسنی*

اشاره

مسلمانان تحت شکنجه و آزار مشرکان مکه، با جلای وطن اجباری، خانه و دارایی های خود را در مکه رها کردند و تن به مهاجرت به مدینه دادند، اما مشرکان مکه دست بردار نبودند؛ به همین دلیل جنگ هایی زنجیره ای علیه مردم مدینه تحمیل کردند. افزون بر جنگ های کوچک، در سال دوم هجری جنگ بدر به وقوع پیوست که منجر به پیروزی مسلمانان شد؛ ولی به تلافی جنگ بدر، مشرکان در سال سوم جنگ احد را بر مردم مدینه تحمیل کردند که اگرچه توانستند تلفاتی از مسلمانان بگیرند، با سازماندهی دوباره مسلمانان مجبور به فرار شدند؛ بنابراین با یاری جستن از قبایل مختلف، کوشیدند با حمله ای گسترده و همه جانبه به خیال خود کار دولت نبوی را تمام کنند و جنگ خندق را به راه انداختند. نام دیگر جنگ خندق، جنگ احزاب است؛ زیرا گروه های متعددی برای از بین بردن مسلمانان همداستان شده بودند و کافران لشکری ده هزار نفری را به میدان جنگ آورده بودند.^۱ بنا بر برخی گزارش ها، تعداد آنان بیست و چهار هزار نفر ذکر شده است؛^۲ در حالی که مسلمانان سه هزار نفر^۳ و به قولی هفتصد نفر بودند.^۴ جبهه حق و در رأس آنها پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با اقدامات متعددی مانع سقوط شهر مدینه شدند. در نوشتار حاضر به برخی از اقدامات اشاره می شود.

* دکترای تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی و مدرس حوزه و دانشگاه.

۱. عبدالملک بن هشام، السیره النبویه، ج ۳، ص ۲۳۰.

۲. علی بن حسین مسعودی، التنبیه و الإشراف، ص ۲۱۶.

۳. محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۴۵۳.

۴. احمد بن ابی یعقوب یعقوبی، تاریخ، ج ۲، ص ۵۰.

اول: فرماندهی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

جنگ خندق یا احزاب از جمله غزوه‌های مسلمانان در صدر اسلام است. غزوه به جنگ‌هایی گفته می‌شود که رسول خدا صلی الله علیه و آله افزون بر اینکه در آن حضور داشت، خود فرماندهی جنگ را بر عهده می‌گرفتند.^۱ هنگامی که رسول الله از اقدامات دشمن آگاهی یافتند، ابتدا شورای نظامی تشکیل دادند و با مسلمان به شور نشستند؛ هر کدام از صحابه پیشنهادی داد، برخی مقابله در بیرون از شهر را پیشنهاد دادند و برخی دیگر خواستار کشاندن جنگ به داخل مدینه بودند تا در داخل به دفاع از شهر بپردازند.^۲

دوم: استفاده از شیوه‌ای کاربردی و جدید

نظر سلمان فارسی در شورای نظامی این بود که در مسیرهای ورودی و مکان‌هایی که امکان رد شدن سپاه است، خندق کنده شود. او گفته بود هرگاه شهری در ایران شهری در معرض خطر قرار می‌گرفت، از این طریق مانع ورود دشمن به شهر می‌شدند. هنوز خندق دور شهر باستانی دارابجرد در نزدیکی شهر فعلی داراب وجود دارد. پیامبر صلی الله علیه و آله این نظر را پذیرفتند و دستور حفر خندق در مناطق نفوذپذیر شهر را صادر کردند.^۳ مردم مدینه نیز که تجربه شکست در جنگ احد را داشتند و عمده دلیل آن را پیروی نکردن از فرمانده اصلی می‌دانستند، پیشنهاد سلمان را بدون چون و چرا پذیرفتند. جزئیات کندن که از کجا تا کجا باشد، با فرمان نبوی و تحت نظارت ایشان انجام شد؛^۴ حتی پیامبر صلی الله علیه و آله برای ایجاد انگیزه و نشاط در مردم خود نیز شرکت فعال داشت.^۵ کندن خندق که تا آن زمان در حجاز رایج نبود، سبب شگفتی مشرکان و حتی مسلمانان شد و این ابتکاری نوپدید به شمار می‌آمد.^۶ ابوسفیان و دارودسته‌اش هنگامی که با این پدیده جدید

۱. ابوالفرج حلبی، السيرة الحلیبة، ج ۳، ص ۲۱۳.

۲. احمد بن یحیی بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۱، ص ۴۱۰.

۳. همان.

۴. محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۴۴۱ - ۴۴۲.

۵. عبدالملک بن هشام، السيرة النبوية، ج ۳، ص ۲۲۶؛ محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۶۶ - ۷۱؛

محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۴۴۵.

۶. محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۴۴۵؛ عبدالملک بن هشام، السيرة النبوية، ج ۳، ص ۲۳۵؛ احمد بن

یحیی بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۱، ص ۴۰۹ - ۴۱۰.

مواجه شدند، متعجبانه گفتند این حيله و نقشه‌ای است که تا این زمان عرب‌ها از آن اطلاع نداشتند.^۱

سوم: اعلام بسیج عمومی و انسجام درونی بین مسلمانان

یکی از دلایل پیروزی مسلمانان در جنگ خندق، همدلی و همراهی همه مسلمانان بود؛ چراکه پیامبر ﷺ بسیج عمومی اعلام کرده بودند و تک‌تک افراد خود را در برابر این جنگ مسئول می‌دانستند نه تماشاچی. حضرت همگان را به کار گرفتند و حفر هر قسمت را به قبیله‌ای از قبایل حاضر در مدینه واگذار کردند و برای خندق نیز درهایی قرار دادند؛^۲ حتی نوجوانان نیز در این امر سهیم بودند.^۳ البته همیشه کسانی ساز مخالف می‌زدند، حتی با دشمن همراهی می‌کنند و در جایگاه جاسوس دشمن، دست به خیانت می‌زنند؛ در این جنگ نیز چنین بود و منافقانی که در داخل مردم نفوذ داشتند، به‌ظاهر با مردم، اما در اصل در مقابل مردم بودند و کارشکنی‌ها را آغاز کردند. حتی خداوند در سوره «احزاب» می‌فرماید برخی به دنبال اجازه گرفتن از پیامبر ﷺ بودند تا صحنه جنگ را ترک کنند؛ به این بهانه که خانه‌های ما حفاظ ندارد؛ در حالی که می‌خواستند از جنگ فرار کنند.^۴ اما خداوند برای خنثی کردن توطئه منافقان فرمود: «قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لِوَاذًا * فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ: خدا کسانی از شما را که پشت سر دیگران مخفی شده و فرار می‌کنند، می‌داند. پس آنان که از دستور او مخالفت می‌کنند، باید بیم داشته باشند از اینکه فتنه‌ای دامنشان را بگیرد یا عذابی دردناک به آنها برسد».^۵ با نزول این آیه، منافقان مورد مذمت قرار گرفتند.^۶

چهارم: برخورد قاطع با مخلان امنیت

بنی قریظه از قبایل یهودی‌نشین مدینه که با مسلمانان پیمان عدم تخاصم بسته بودند، در گیراگیر جنگ خندق پیمان شکستند. البته پیمان عدم تخاصم با همه گروه‌های یهودی ساکن در حجاز

۱. عبدالحمید بن هبة الله ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۸، ص ۳۵.

۲. احمد بن ابی‌یعقوب یعقوبی، تاریخ، ج ۲، ص ۵۰.

۳. محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۴۵۳ - ۴۵۴؛ محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۶۷.

۴. احزاب: ۱۳.

۵. نور: ۶۳.

۶. محمد بن جریر طبری، تاریخ، ج ۲، ص ۵۶۶ - ۵۶۷.

بود و پیش از این نیز یهودیان بنی قینقاع و بنی نضیر پیمان شکسته بودند؛ اما بنی قریظه تا هنگام وقوع جنگ خندق، اقرار داشتند که از پیامبر ﷺ جز راستی و وفا ندیده‌اند.^۱ به هر حال رفت و آمدهای حی بن اخطب از بزرگان بنی نضیر، آنان را وادار به پیمان شکنی کرد.^۲

ام سلمه در توصیف روزهای سخت جنگ خندق می‌گوید: «از این جریان دردناک‌تر برای رسول خدا و ترسناک‌تر برای مسلمانان نبود؛ زیرا مدینه از دو طرف در معرض خطر بود». ابوبکر نیز در درباره آن روزها می‌گوید: «ما برای کودکان و زنان خودمان در مدینه از بنی قریظه بیشتر بیمناک بودیم تا از قریش و غطفان».

پیامبر ﷺ بعد از آگاهی از پیمان شکنی بنی قریظه، شخصی به نام خوات بن جیبر را به نزدیک قلعه آنان فرستاد تا از حمله احتمالی آنان آگاه شود. یک شب ده نفر از یهودیان از قلعه بیرون آمدند تا به مسلمانان شیخون بزنند؛ آنان با گروهی از مسلمانان در نزدیکی بقیع درگیر شدند. یک بار نیز ده نفر از آنان قصد داشتند به محل تجمع زنان وارد شوند که با مقاومت آنان روبرو شدند.^۳ در اقدام دیگری، حی بن اخطب به قریش پیغام داد دوهزار نفر نیرو بفرستند تا شبانه مرکز مدینه را هدف قرار دهند.^۴

وقتی مشرکان نتوانستند کاری از پیش برند و مجبور به عقب‌نشینی شدند و اطراف مدینه را ترک کردند، نوبت به برخورد با بنی قریظه رسید. قرآن درباره عهد شکنی بنی قریظه و شیوه رفتار با آنان می‌فرماید: «همان کسانی که با برخی از آنها پیمان بست، سپس پیمانشان را در هر بار می‌شکنند و پرهیز و پروا [از خدا و نقض پیمان] ندارند». یا می‌فرماید: «پس اگر در جنگ بر آنها دست یافتی، کسانی را که به دنبال آنها هستند، سخت پراکنده گردان؛ باشد که متذکر شوند [و در فکر جنگ نیفتند]».^۵

۱. عبدالملک بن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۲۲۱.

۲. محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۴۵۵؛ عبدالملک بن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۲۲۰؛

شمس‌الدین محمد ذهبی، تاریخ الإسلام، ج ۲، ص ۲۸۷؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ، ج ۲، ص ۵۷۱.

۳. محمد بن عمر واقدی، المغازی، ص ۴۶۰ - ۴۶۷.

۴. همان، ص ۴۶۰.

۵. محمد بن جریر طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۱۸؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۸۴۹؛ سید محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۱۲۶، ذیل آیات «الَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَوْءَةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ * فَإِمَّا تَنْتَقِفْنَهُمْ فِي الْحَرْبِ فَفَرِّدْ بِهِمْ مَنْ خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْكَرُونَ».

بدین سان، دیگر مدارا با بنی قریظه نه تنها عقلاً رجحانی نداشت، بلکه دستور خداوند نیز بر خورد قاطع با آنان بود. تجربه دو قوم قبلی یهود که بخشیده شده بودند، اما باز هم در تحریک و یاری مشرکان نقش فعالی داشتند، سبب شد برخورد قاطعی با بنی قریظه شود و قاطعیت پیامبر ﷺ را نیز به رخ دیگر دشمنان بکشد.

پیامبر ﷺ دستور محاصره قلعه آنان را صادر کرد و از آنها خواست تسلیم شوند. پس از گفتگوهای متعدد بین طرفین قضیه، در نهایت تن به داوری سعد بن معاذ دادند و سعد دستور قتل مجرمان آنها را صادر کرد. اگرچه در تعداد کشته‌ها اختلاف است، به نظر می‌رسد این تعداد از چهل نفر تجاوز نمی‌کند.^۱ برخورد قاطع با مخلان امنیت سبب برطرف شدن پیامدهای جنگ خندق به طور کلی بود.

اسرائیل و فلسطین می‌گوید: «پس از جریان بنی قریظه صدای منافقان قطع شد و دیگر تحرکی بر ضد رسول خدا ﷺ انجام ندادند».^۲

پنجم: مقابله با جنگ روانی بنی قریظه و عدم افشای اسرار نظامی

اگر خبر پیمان‌شکنی بنی قریظه به همه مردم می‌رسید، افزون بر امنیت جانی، امنیت روانی آنان نیز به هم می‌ریخت؛ چراکه همه مردم از نظر تحمل مشکلات یکسان نیستند و گاهی ترس از فاجعه بدتر از اصل فاجعه است. درواقع ممکن است پیش از آنکه جامعه به دست دشمن آسیب ببیند، جنگ روانی سبب تلاشی شدن جامعه از درون شود و کار را برای غلبه دشمن راحت و هموار کند. بر همین اساس وقتی پیامبر ﷺ از پیمان‌شکنی بنی قریظه آگاهی یافتند، پیش از همگانی شدن خبر، کسانی را برای بررسی صحت و سقم ماجرا فرستادند و به نمایندگان خود فرمود در صورت صحت ماجرا، مسلمانان از آن آگاهی نیابند تا روحیه‌شان تضعیف نشود. البته این امر بدان معنا نیست که مردم را نامحرم بدانند، بلکه بعد از اطمینان از صحت خبر، با برنامه‌ریزی مردم را مطلع کنند تا پیامدهای جنگ روانی را از بین ببرند، وگرنه دیر یا زود در جامعه کوچکی مثل مدینه چنین خبری پنهان نمی‌ماند. اما مدیریت پیامبر ﷺ سبب شد مردم عادی پیش از آنکه از خبر آگاهی یابند، از نظر روحی و روانی آمادگی دریافت خبر را پیدا کرده بودند و پیامدهای منفی خبر از بین رفته بود.

۱. مصطفی محسنی، «تحلیل رفتار پیامبر اکرم ﷺ با یهودیان بنی قریظه در مدینه»، ص ۲۸ - ۳۶.

۲. جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من السیره النبویة الأعظم، ج ۱۱، ص ۱۶۷.

به هر حال نمایندگان پیامبر ﷺ به نزدیکی قلعه بنی قریظه رفتند و چند و چون قضیه را از آنان پرسیدند. آنان گفتند: «بین ما و محمد پیمانی نیست»^۱ و افزودند: «ما آن پیمان را مانند پاره کردن بند کفشان پاره کردیم». سپس به پیامبر ﷺ و مسلمانان ناسزا گفتند.^۲ اما پیامبر ﷺ مانع به هم ریختگی روان مردم و جامعه شدند و با مدیریت مثال زدنی ابتدا آسیب روانی خبر را خنثی کردند و سپس همان گونه که گفته شد، با مخلان امنیت برخورد قاطع کردند.

ششم: دل‌داری به مسلمانان و پیشگویی پیامبر ﷺ

یکی از عوامل موفقیت جبهه حق در جنگ خندق، روحیه دادن به مجاهدان در اثنای جنگ بود. مسلمانان در حال حفر خندق با صخره محکمی روبرو شدند و توانستند آن را بشکنند؛ اما پیامبر ﷺ سه ضربه وارد کردند که در هر ضربه، برقی از سنگ نمایان شد. رسول خدا ﷺ در این هنگام بشارت فتح روم، ایران و یمن را به مسلمانان دادند.^۳ اگرچه این پیشگویی خبر از آینده بود، اما همین امر مسلمانان واقعی را در اعتقاد خود مصمم می‌کرد.

هفتم: اختلاف افکنی در بین گروه‌های دشمن

شخصی به نام نُعَیم بن مسعود اشْجعی مسلمان شده بود، اما مشرکان اطلاع نداشتند. وی نزد بنی قریظه رفت و به آنها گفت موقعیت شما با مشرکان متفاوت است؛ در صورت پیروزی مسلمانان، مشرکان بدون نگرانی از خانه و خانواده‌شان، می‌توانند بازگردند، اما شما نمی‌توانید؛ بنابراین از آنها تقاضای دو هزار نفر نیرو کنید تا اگر آنها رفتند، این افراد نزد شما گروگان باشند. سپس نزد قریش رفت و گفت بنی قریظه به دروغ اظهار همکاری با شما را دارد، بلکه در واقع می‌خواهد تعداد زیادی از شما را به عنوان گروگان تحویل مسلمانان دهد و همین امر سبب بروز اختلاف بین آنها شد.^۴

۱. عبدالملک بن هشام، السیرة النبویة، ج ۲، ص ۲۲۲.

۲. محمد بن عمر واقدی، المغازی، ص ۴۵۶ - ۴۵۷.

۳. عبدالملک بن هشام، السیرة النبویة، ج ۳، ص ۲۳۰؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ، ج ۲، ص ۵۶۸ - ۵۶۹؛

محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۴۴۹ - ۴۵۰.

۴. محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۴۸۰ - ۴۸۲؛ عبدالملک بن هشام، السیرة النبویة، ج ۳، ص ۲۴۱ -

۲۴۲؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ، ص ۵۷۸ - ۵۷۹.

هشتم: رشادت‌های حضرت علی علیه السلام

عامل اصلی پیروزی مسلمانان، رشادت‌های حضرت علی علیه السلام بود. وقتی پهلوان نامی قریش، عمرو بن عبدود توانست از خندق بگذرد، شروع به رجزخوانی کرد. پس از آنکه کسی حاضر به جنگ با وی نشد، حضرت علی علیه السلام به جنگ تن‌به‌تن با وی اقدام کرد و وی را به قتل رساند. اگر او پیروز می‌شد، راه برای ورود دیگر افراد دشمن باز می‌شد و همه آنها از خندق می‌گذشتند و کار مسلمانان تمام می‌شد؛ به همین دلیل پیامبر صلی الله علیه و آله درباره این جنگ تن‌به‌تن فرمود: «الضربة علی یوم الخندق افضل من اعمال الثقلین: ضربت علی علیه السلام در روز خندق، افضل و برتر از اعمال ثقلین است»؛ همچنین فرمود: «بَرَزَ الْإِسْلَامُ كُلَّهُ إِلَى الْكُفْرِ كُلِّهِ» در این روز تمام اسلام در مقابل تمام کفر قرار گرفت.^۱

نهم: درخواست پیروزی از خدا

آنچه مادر و اساس همه اقدامات به شمار می‌آید، سلاح بزرگ و کارآمد «دعا» و کمک خواستن از درگاه خدای تواناست. پیامبر صلی الله علیه و آله سه روز پشت سر هم از دوشنبه تا چهارشنبه در مسجد به دعا نشست و چنین دعا کرد: «خدایا احزاب را فراری و شکست بده». این دعا در روز چهارشنبه بین نماز ظهر و نماز عصر به اجابت رسید. در آن شب سرد، طوفانی به پا خاست، خیمه‌های مشرکان را به هم ریخت و آتشی برای آنها نگذاشت.^۲ در سوره احزاب این‌گونه اشاره شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نعمت خدا را بر خود به یاد آورید در آن هنگام که لشکرهایی [عظیم] به سراغ شما آمدند؛ ولی ما باد و طوفان سختی بر آنان فرستادیم و لشکریانی که آنها را نمی‌دیدید [و به این وسیله آنها را درهم شکستیم]. و خداوند همیشه به آنچه انجام می‌دهید، بینا بوده است».^۳

تأملی در جنگ دوازده روزه

بامداد ۲۳ خرداد سال ۱۴۰۴ شمسی، رژیم صهیونیستی با کمک تمام متحدان غربی و ... خود به ایران حمله کرد و توانست چند تن از فرماندهان رشید اسلام را به شهادت برساند؛ اما

۱. شیخ صدوق، الخصال، ص ۵۷۹.

۲. محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۷۳ - ۷۴.

۳. احزاب: ۹.

همان گونه که اعلام کرده بودند، قصد اصلی این رژیم، سرنگونی نظام جمهوری اسلامی بود. پس از دوازده روز و با مقاومت نیروهای نظامی و شجاعت و شهامت حیرت برانگیز مجاهدان راه خدا، رژیمی که به قصد براندازی آمده بود، ضمن کمک خواستن از آمریکا، تقاضای آتش بس کرد.

باتوجه به آنچه بیان شد، غزوه خندق و جنگ دوازده روزه شباهت های متعددی داشتند:

* فرماندهی مقام معظم رهبری؛

* همبستگی و اتحاد مسلمانان در حول ولی خدا؛

* نقش یهودیان در هر دو جنگ *

* مجازات خائنین از سوی حکومت اسلامی؛

* شجاعت و ایمان و اقدام به موقع نیروهای نظامی و درهم شکستن روحیه سپاهیان کفر؛

* دعا و تضرع به درگاه الهی.

مقام معظم رهبری پس از شهادت فرماندهان نظامی، افزون بر جایگزینی بی درنگ فرماندهان جدید، خود جنگ را مدیریت کردند. پیام های متعدد و روحیه بخش ایشان، موجب تقویت روحیه مردم و اتحاد و همراهی کم نظیر آنان شد. همبستگی و همراهی مردم در این جنگ دور از انتظار دوست و دشمن بود. تصور اینکه با حمله ای مردم را به خیابان خواهند کشید و در مقابل نظام قرار خواهند داد، کاملاً برعکس شد. همان گونه که در خندق عموم مردم و حتی نوجوانان پای کار آمدند، در این جنگ نیز بسیج عمومی فعال شد و جوانان و نوجوانان بسیاری در سطح کشور در گذرگاه ها و ایست و بازرسی ها شروع به فعالیت کردند و بسیاری از همدستان خائن رژیم اشغالگر را شناسایی و به دام انداختند.

همانند بنی قریظه در این جنگ نیز عده ای خود فروخته و خائن به وطن دست به اقدامات نظامی و خرابکارانه زدند که در حین جنگ و پس از آن، مسئولان ذی ربط برخورد قاطع با آنها را در دستور کار قرار دادند. در این جنگ شبکه های معاند به مانند منافقان در جنگ خندق، به دنبال بازی با روان مردم بودند و هستند.

مسلمانان در جنگ خندق از شیوه جدید کندن خندق استفاده و مشرکان را مبهوت کردند؛ مجاهدان در جنگ دوازده روزه نیز با تجهیزات و موشک های جدید، مهاجمان صهیونی و حامیان آنها و حتی جهانیان را مبهوت کردند.

به یقین همانند جنگ احزاب، اگر سلاح دعا و توسل و تضرع نبود، این پیروزی محقق نمی شد.

کتابنامه

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید هبة الله، شرح نهج البلاغه، قم: مكتبة آيت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، بیروت: دار بیروت، ۱۴۰۵ ق.
۳. ابن هشام، عبدالملک، السيرة النبوية، تحقیق: مصطفى سقا و ابراهيم اياري و عبدالحفيظ شبلي، قاهره: [بی نا]، ۱۳۵۵ ق.
۴. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق: محمود فردوس، دمشق: [بی نا]، ۱۹۷۷ م.
۵. حلبی شافعی، ابوالفرج، السيرة الحلیية، چ ۲، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۷ ق.
۶. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۱۳ ق.
۷. شیخ صدوق، محمد بن علی، الخصال، تحقیق: علی اکبر الغفاری، قم: منشورات جماعة المدرسين، ۱۴۰۳ ق.
۸. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چ ۳، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۱۰. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ ق.
۱۱. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الأعظم، قم: دارالحديث، ۱۴۲۶ ق.
۱۲. محسنی، مصطفی، «تحلیل رفتار پیامبر اکرم ﷺ با یهودیان بنی قریظه در مدینه»، مجله مبلغان، ش ۲۸۱، مهر و آبان ۱۴۰۱ ش.
۱۳. مسعودی، علی بن الحسین، التنبيه و الإشراف، تصحیح: عبدالله اسماعیل الصاوی، قاهرة: دارالصاوی، [بی تا].
۱۴. واقفی، محمد بن عمر، المغازی، تحقیق: مارسدن جونز، لندن: [بی نا]، ۱۹۶۶ م.
۱۵. یعقوبی، احمد بن أبی یعقوب، تاریخ، بیروت: دارصادر، [بی تا].